

## عنوان مقاله:

تغییر مفهوم انسان در شناخت شناسی جغرافیدانان و تاثیر آن در تعامل با محیط

## محل انتشار:

فصلنامه جغرافیا و توسعه، دوره 18، شماره 58 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 16

## نویسندگان:

محمد راهدان مفرد - اصفهان، دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم جغرافیایی و برنامه ریزی

محمد حسین رامشت - استاد گروه جغرافیای طبیعی، دانشکده علوم جغرافیایی و برنامه ریزی، دانشگاه اصفهان

## خلاصه مقاله:

مسئله شناخت در جغرافیا به سه حوزه انسان، طبیعت و نوع ارتباط بین آنها معطوف است، اکنون این پرسش مطرح است با تغییر مفهوم انسان در دوره های مختلف، نحوه عملکرد و تعامل جغرافیدانان با محیط نیز دستخوش تغییر شده است. بازگشت به گذشته و دانستن تحولات فکری جغرافیدانان می تواند سیر تحول و تغییر در ایده ها و نحوه اندیشیدن امروزی ما در تعامل با محیط را روشن تر و به عمق فهم ما از آینده کمک کند. سیر تحول تاریخی اندیشه جغرافیدانان نظریه پرداز، نشان می دهد که نگاه آنها به انسان دائما در تغییر بوده و سیری متفاوت از یک موجود تاریخی به پدیده ای اجتماعی، چند ساحتی، مینوی و تراریخت داشته است. این تفاوت ها نه تنها در برداشت های نظری که در روش و نوع تحلیل آنها نیز منعکس است. اکنون این پرسش بنیادی را می توان مطرح ساخت که این تفاوت ها بر نوع تجربه عملی جغرافیدانان در برابر محیط هم تاثیرگذار بوده است و در مواجهه آنها با محیط تغییرات راهبردی خاصی بدنبال داشته است. به سخن دیگر تغییر مفهوم انسان در تجربه ی ذهنی جغرافیدانان در عملکرد و مواجهه آنها با محیط نیز تاثیرگذار بوده است این پژوهش که با روش پدیدارشناسی (تحلیل متون جغرافیایی) در شش دوره تاریخی در عصر جدید (1900-2020) صورت گرفته بر این نکته تاکید دارد که: طرز تلقی جغرافیدانان از مفهوم انسان، بنیان فهم آنها در مواجهه با محیط را شکل می داده است. تفاوت در دیدگاههای جغرافیایی که معطوف به تفاوت در مفهوم انسان است نه تنها راهبردهای عملکردی جغرافیدانان در اعصار مختلف را در برابر محیط تعریف می کرده است، که تعریف از دانش جغرافیا را نیز تغییر داده است.

## کلمات کلیدی:

انسان بیولوژیک یا تاریخی، دانش جغرافیا، پدیدارشناسی، انسان تراریخت

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1017572>

